

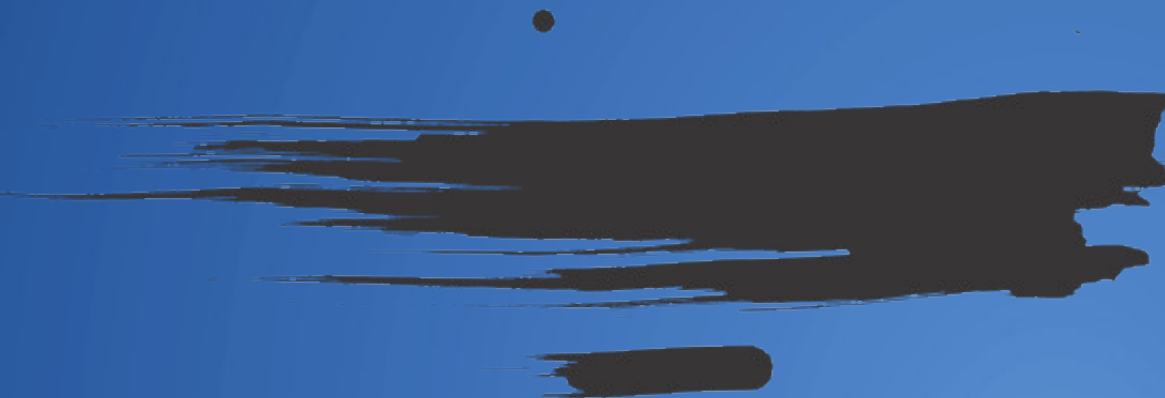
نگاهی به قواعد عربی ۲ انسانی

هادی صفری

طلای دوره بیست و هفتم المپیاد ادبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مسیحای جوانمرد من! ای ترسای پیر پیره‌ن‌چرکین
هوا بس ناجوانمردانه سرد است. آی!
دمت گرم و سرت خوش باد
سلامم را تو پاسخ گوی، در بگشای

مهدی اخوان ثالث

شرح درد اشتیاق...

- کتاب عربی ۲ انسانی، جزء منابع درسی اولین مرحله المپیاد ادبی دانش‌آموزی است. نگارنده بر آن شد به‌طور خلاصه مباحث دستوری (صرف و نحو) مطرح‌شده در این کتاب را بررسی کند، بدان امید که شاید برای دانش‌پژوهان گرامی و علاقه‌مندان به زبان و ادبیات مفید واقع شود.
- سعی نگارنده این بوده که مباحث خارج از کتاب تا حد امکان مطرح نشود، اما تعداد اندکی از نکات که گویا بیش از بعضی موضوعات اصلی کتاب درسی مورد توجه نویسندگان کتاب‌های تست قرار گرفته، جهت اطمینان گنجانده شد.
- خلاصه‌بودن مطالب (توجه داشته باشید این مباحث قرار بوده در یک سال تحصیلی تدریس شود و این تعداد اسلاید، چیز عجیبی نیست.) باعث شده بعضی نکات مهم از قلم بیفتد؛ پس رجوع به متن کتاب درسی را فراموش نکنید.
- تمرین و تست‌زدن در یادگیری قواعد عربی اهمیت بسیار بالایی دارد. معدودی از تست‌های آزمون سراسری ۹۳ در آخرین بخش بررسی شده است.
- امید است مخاطبان گرامی، اشتباهات احتمالی را بر نگارنده ببخشایند.

علیه توکلت و الیه انیب

هادی صفری

دارنده مدال طلای بیست و هفتمین المپیاد ادبی

فعل رباعی

- ریشه بیشتر افعال و کلمات عربی، سه حرفی است. این کلمات را ثلاثی می نامیم و حروف اصلی را با ف و ع و ل نشان می دهیم.
- ریشه تعدادی از افعال و کلمات عربی، چهار حرفی است. (چهار حرف اصلی دارد.) این کلمات را رباعی می نامیم و حروف اصلی را با ف و ع و ل و ل نشان می دهیم.
- فعل رباعی هم مجرد و مزید دارد. کتاب درسی فقط فعل رباعی مجرد را معرفی کرده است.

فعل رباعی مجرد

- فعل رباعی مجرد، سماعی نیست و بر وزن خاصی می آید.
- اولین صیغه ماضی فعل رباعی مجرد، بر وزن **فَعَلَّ** می آید: زلزل.
- اولین صیغه مضارع فعل رباعی مجرد، بر وزن **يُفَعِّلُ** می آید: یزلزل.
- مصدر فعل رباعی مجرد، بر اوزان **فَعَلَّلَ** و **فِعْلَلُ** می آید: زلزلة و زلزال.

إِكْنَا زُلْزَلْتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا...

اسم الآلة

- اسم آلة از انواع اسم مشتق است.
- اسم آلة بر سه وزن **مِفْعَال**، **مِفْعَل** و **مِفْعَلَة** می آید.
- با این اوصاف، اسم مشتق بر هشت نوع است: اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم زمان، اسم مکان، اسم تفضیل، اسم مبالغه و اسم آلة.

معرفه و نکره

- در یک تقسیم‌بندی، اسامی را به دو نوع **معرفه** و **نکره** تقسیم می‌کنند.
- به اسم‌هایی که بر شخص یا شیء معینی دلالت کنند، **معرفه (معرف)** می‌گویند.
- به اسم‌هایی که بر شخص یا شیء معینی دلالت نکنند، **نکره** می‌گویند.
- اسم **عَلَم** اسمی است که بر یک فرد یا واحد از یک مجموعه عمومی تر دلالت می‌کند. علم معادل اسم خاص در زبان فارسی است. اسامی اشخاص، شهرها و امثالهم اسم علم محسوب می‌شوند.

معرفه و نکره

- معارف (اسامی معرفه) در عربی شش نوع اند:
 - (۱) ضمیر (مرفوعی و منصوبی و مجروری، متصل و جدا)
 - (۲) اسم اشاره (دور و نزدیک)
 - (۳) اسم موصول (خاص و عام)
 - (۴) ذواللام (اسمی که بر سر آن ال تعریف آمده است).
 - (۵) اسم علم
 - (۶) اسم مضاف به اسم معرفه دیگر
- هر اسمی که معرفه نباشد، نکره است.

معلوم و مجهول

- فعل معلوم (مبنی للمعلوم)، فعلی است که همراه فاعلش می آید.
- فعل مجهول (مبنی للمجهول)، فعلی است که فاعلش حذف شده و مفعول به به نیابت از فاعل (نائب فاعل) جایگزین آن شده است.
- هنگامی که فعل ماضی مجهول می شود، حرف قبل از آخرش مکسور می شود و تمام حروف متحرک پیش از آن مضموم می گردند: اِسْتَخْرَجَ ← اُسْتُخْرِجُ
- هنگامی که فعل مضارع مجهول می شود، حرف قبل از آخرش مفتوح می شود و حرف مضارعه مضموم می گردد: یَسْتَخْرِجُ ← یُسْتَخْرِجُ

معلوم و مجهول

• مراحل مجهول کردن جمله:

(۱) حذف **فاعل**: فاعل با تمام ملحقاتش (صفت، مضاف الیه و...) حذف می‌شود.

(۲) تعیین **نائب فاعل**: مفعولٌ به به‌عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود و تغییرات لازم انجام می‌گیرد؛ مثلاً اگر مفعول به صفت دارد، صفت آن هم مرفوع می‌شود.

(۳) مجهول کردن **فعل**

(۴) **تطابق فعل** با نائب فاعل (از لحاظ جنس و تعداد تغییرات لازم ایجاد می‌شود).

كَتَبَ الطَّالِبُ رِسَالَةً. ← كُتِبَتِ الرِّسَالَةُ.

معلوم و مجهول

● نائب فاعل (مانند فاعل) سه نوع دارد:

- اسم ظاهر: كُتِبَ الدرسُ.
- ضمير بارز: الأعداءُ قُتِلُوا في الرحب.
- ضمير مستتر: الصديقُ يُعْرَفُ (هو مستتر) عند الشدائد.

نواسخ

- نواسخ، ادواتی اند که بر سر جمله می آیند و اعراب اجزاء جمله را نسخ می کنند و اعراب جدیدی به آنها می دهند.
- نواسخ چهار گروه اند:
 - افعال ناقصه: مثل کان، صار، أصبح، لیس، مادام، مازال.
 - حروف مشبهة بالفعل: مثل إنّ، أنّ، كأنّ، لیت، لكنّ، لعلّ.
 - لا نافية للجنس
 - أفعال مقاربة: مانند کاد، أوشك، عسى، بدأ، شرع، أخذ، جعل.

افعال ناقصه

- كان (بود) و أخواتش (صار (شد)، أصبح (شد)، ليس (نیست)، مادام (تا وقتی که)، مازال (تا وقتی که)) را افعال ناقصه می نامند.
- افعال ناقصه بر سر جمله اسمیه می آیند و مبتدأ را به عنوان اسم فعل ناقصه مرفوع و خبر را به عنوان خبر فعل ناقصه منصوب می کنند.
- اسم فعل ناقصه بر سه نوع است: اسم ظاهر، ضمیر بارز و ضمیر مستتر.
- خبر فعل ناقصه بر سه نوع است: مفرد، جمله و شبه جمله.

افعال ناقصه

- اگر مبتدأ ضمیر منفصل باشد، هنگام تبدیل به اسم خبر ناقصه به ضمیر مستتر یا بارز تبدیل می شود: **أنت عالمٌ**. ← **كُنتَ عالمٌ**.
- لیس و مادام فقط در ماضی صرف می شوند.
- جز أصبح، بقیه این افعال معتل اند. طریقه صرف ماضی و مضارع افعال معتل در عربی ۳ به تفصیل آمده است.

حروف مشبهة بالفعل

- إِنَّ (بهراستی) و أخواتش (أَنَّ (که)، كَأَنَّ (گویا، مثل این که)، لَيْتَ (کاش)، لَكِنَّ (ما)، لَعَلَّ (شاید)) را حروف مشبهة بالفعل می نامند.
- حروف مشبهة بالفعل بر سر جمله اسمیه می آیند و مبتدأ را به عنوان اسم حرف مشبه بالفعل منصوب و خبر را به عنوان خبر حرف مشبه بالفعل مرفوع می کنند.
- اسم حرف مشبه بالفعل بر دو نوع است: اسم ظاهر، ضمیر متصل.
- خبر حرف مشبه بالفعل بر سه نوع است: مفرد، جمله و شبه جمله.

حروف مشبهة بالفعل

- ضمير در حرف مستتر نمی شود! (اسم **إِنَّ** نمی تواند ضمیر مستتر باشد.)
 - اگر مبتدأ ضمیر بارز یا مستتر باشد، اسم حروف مشبهة بالفعل از نوع ضمیر متصل می آید.
 - **ما كافة**، بعد از **إِنَّ** و **أَنَّ** می آید و معنی فقط را به جمله اضافه می کند؛ همچنین باعث می شود اسم حرف مشبه بالفعل مرفوع بماند.
 - **إنّما** و **أثمّا** جزء **ادات حصر** شمرده می شوند.
- بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ^{عَل} وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

لا نافية للجنس

- گاهی لا بر سر جمله اسمیه می آید و اسم منصوب و خبر مرفوع می گیرد.
- اسم لا نفی جنس:
 - نکره است؛ پس ال تعریف نمی گیرد.
 - مبنی علی الفتح است؛ پس تنوین نمی گیرد.
- خبر لا نفی جنس بر اسم مقدم نمی شود: لا کتاب فی المحفظة.
- خبر لا نفی جنس ممکن است مفرد، جمله یا شبه جمله باشد.
- گاهی خبر لا نفی جنس محذوف است: لا شك! (~ موجود)
- با لا نفی جنس در مبحث استثناء عربی ۳ بیشتر آشنا خواهید شد.

افعال مقاربه

● افعال مقاربه سه گروه اند:

– افعال قرب: نزدیک بودن وقوع کاری را نشان می دهند: كاد و أوشك.

– افعال رجاء: امید به وقوع کاری را نشان می دهند: عسى.

– افعال شروع: شروع کاری را نشان می دهند: بدأ، شرع، أخذ و جعل.

● افعال مقاربه مبتدأ را به عنوان اسم فعل مقاربه مرفوع و خبر را به عنوان خبر فعل مقاربه منصوب می کنند.

افعال مقاربه

- اسم فعل مقاربه بر سه نوع است: اسم ظاهر، ضمير بارز و ضمير مستتر.
- خبر فعل مقاربه الزاماً از نوع **جمله فعلیه** است؛ پس اعرابش محلی می شود.
- خبر فعل مقاربه، حتماً باید جمله فعلیه با **فعل مضارع** باشد.
- جز **کاد و أوشك**، بقیه افعال مقاربه فقط در ماضی صرف می شوند.
- برخی از این افعال معتل اند. صرف افعال معتل در عربی ۳ به طور کامل مورد بحث قرار گرفته است.

مفعول فیه

- مفاعیل در عربی به انواع فراوانی تقسیم می‌شوند که همه آنها در دبیرستان بررسی نمی‌شوند؛ مانند: مفعول به، مفعول فیه، مفعول له (الأجله)، مفعول معه و مفعول مطلق.
- همه انواع مفاعیل در عربی جزء منصوبات اند.
- مفعول فیه (ظرف زمان یا مکان) کلمه‌ای است که زمان یا مکان را نشان می‌دهد و معنی حرف جر فی را درون خود دارد.

مفعول فيه

- برخی از مهم‌ترین ظروف ظروف زمان: الآن، غد، أمس (مبنى على الكسر)، صباح، مساءً، قبل، بعد، ليل، نهار، عند (عند المغرب).
- برخی از مهم‌ترین ظروف ظروف مکان: فوق، تحت، أمام، وراء، بين، عند (عند التلميذ)، قرب، جنب.
- گاهی این کلمات در جمله نقش دیگری -خصوصاً مضاف اليه- دارند و مفعول فيه نیستند:
اليوم يوم الثلاثاء. (مبتداً)
سأذهب إلى المدرسة في غد. (مجرور بحرف جر)

عدد

- عدد اصلی کلمه‌ای است که کمیت اشیاء قابل شمارش را نشان می‌دهد.
- عدد ترتیبی کلمه‌ای است که ترتیب اشیاء را نشان می‌دهد.
- اعداد اصلی چهار نوع دارند؛ اما در دبیرستان فقط اعداد یک تا دوازده بررسی می‌شوند. از میان این اعداد، یک تا ده عدد مفرد و یازده و دوازده عدد مرکب اند.
- اعداد ترتیبی یک تا دوازده، مانند سائر صفات بعد از اسم می‌آیند و در جنس (مذکر/ مؤنث) از معدود (موصوف) خودشان تبعیت می‌کنند:

تنعقد فی الیوم **الخامس** من هذا الشهر حفلة.

اعداد ترتیبی

جدول کاربرد اعداد ۱۱ و ۱۲ با معدود مذکر و معدود مؤنث

کاربرد عدد با معدود مؤنث	کاربرد عدد با معدود مذکر	شرایط معدود	شرایط عدد
قَرَأْتُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَجْلَةً.	قَرَأْتُ أَحَدَ عَشَرَ كِتَابًا.	مفرد و منصوب	۱۱ برای معدود مذکر: أَحَدَ عَشَرَ برای معدود مؤنث: إِحْدَى عَشْرَةَ (هر دو جزء مبنی بر فتح)
هُنَا إِتْنَا عَشْرَةَ مَجْلَةً. قَرَأْتُ إِتْنِي عَشْرَةَ مَجْلَةً.	هُنَا إِتْنَا عَشَرَ كِتَابًا. قَرَأْتُ إِتْنِي عَشَرَ كِتَابًا.	مفرد و منصوب	۱۲ برای معدود مذکر: إِتْنَا عَشَرَ برای معدود مؤنث: إِتْنِي عَشْرَةَ (جزء دوم مبنی بر فتح)

جدول کاربرد اعداد ۱ تا ۱۰ با معدود مذکر و معدود مؤنث

کاربرد عدد با معدود مؤنث	کاربرد عدد با معدود مذکر	شرایط معدود	شرایط عدد
قَرَأْتُ مَجْلَةً وَاحِدَةً.	قَرَأْتُ كِتَابًا وَاحِدًا.	هر اسم مفردی بر «یک» بودن دلالت می‌کند و هر مثنایی بر «دو» بودن دلالت دارد.	۱ و ۲ لذا این دو عدد «یک و دو» را می‌توان پس از اسم مفرد یا مثنی برای تأکید کردن آورد.
هَاتَانِ مَجْلَتَانِ اِتْنَانِ. قَرَأْتُ مَجْلَتَيْنِ اِتْنَتَيْنِ.	هَذَانِ كِتَابَانِ اِتْنَانِ. قَرَأْتُ كِتَابَيْنِ اِتْنَيْنِ.	جمع و مجرور	۳ تا ۱۰ اما اعداد از سه تا ده همراه معدود به کار می‌روند. این اعداد بر عکس معدود خود به کار می‌روند. یعنی برای معدود مذکر یا «تاء» و برای معدود مؤنث بدون «تاء» استفاده می‌شوند.
قَرَأْتُ ثَلَاثَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ أَرْبَعَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ خَمْسَةَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ سِتَّةَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ سَبْعَةَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ تِسْعَةَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ عَشْرَةَ مَجَلَّاتٍ.	قَرَأْتُ ثَلَاثَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ أَرْبَعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ خَمْسَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ سِتَّةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ سَبْعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ تِسْعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ عَشْرَةَ كُتُبٍ.	جمع و مجرور	نقش: متناسب با نیاز جمله

اعراب عدد

از جهت اعراب تابع ماقبل خود است: هذا قَلَمٌ وَاحِدٌ. قَرَأْتُ مَجْلَتَيْنِ اِتْنَتَيْنِ.	۱ و ۲
متناسب نیاز جمله نقش می‌گیرد و می‌تواند مرفوع یا منصوب یا مجرور شود. مانند: حَضَرَتْ ثَلَاثَةُ مُعَلِّمِينَ وَ ثَلَاثُ مُعَلِّمَاتٍ. - رَأَيْتُ ثَلَاثَةَ مُعَلِّمِينَ وَ ثَلَاثَ مُعَلِّمَاتٍ.	۳ تا ۱۰
متناسب نیاز جمله نقش پذیرفته اما هر دو جزء آن مبنی بر فتح است لذا اعراب آن در هر سه حالت محلی است. حَضَرَتْ أَحَدُ عَشَرَ فُلًاخًا. رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ فُلًاخًا. سَلَّمْتُ عَلَى أَحَدِ عَشَرَ فُلًاخًا.	۱۱
متناسب با نیاز جمله نقش می‌پذیرد. اما جزء اول «معرّب» و جزء دوم مبنی بر فتح است. جاءَ اِتْنَا عَشَرَ طَالِبًا. رَأَيْتُ اِتْنِي عَشْرَةَ طَالِبَةً. سَلَّمْتُ عَلَى اِتْنِي عَشَرَ مُعَلِّمًا وَ اِتْنِي عَشْرَةَ مُعَلِّمَةً.	۱۲

تصغیر

- **تصغیر** یعنی افزودن یاء ساکن بعد از حرف دوم اسم معرب برای **تقلیل** (کم کردن) یا **تحقیر** (حقیر کردن) یا **تحبیب** (دوست داشتن) است.

- برای ساخت اسم تصغیر،

- حرف اول مضموم می شود.

- حرف دوم مفتوح می شود.

- بعد از حرف دوم، یاء ساکن اضافه می شود.

رَجُلٌ ← رُجَيْلٌ؛ شَجَرَةٌ ← شُجَيْرَةٌ

- **بُنَى**، اسم مصغر از ابن است که با آن برخورد کرده اید: **يَا بُنَيَّ! أَقِمِ الصَّلَاةَ!**

نسبت

- نسبت یعنی الحاق یاء مشدد به آخر اسم برای نشان دادن انتساب آن به چیزی دیگر. (معادل صفت نسبی زبان فارسی) : ایران ← ایرانی.
- قبل از افزودن یاء نسبت، علامت‌های تأنیث و تثنیه و جمع حذف می‌شود: تجارة ← تجاری.

نسبت

- گاهی تغییرات دیگری هم در زمان انتساب ایجاد می‌شود. در کتاب درسی فقط شش مثال **نبوی**، **علوی**، **موسوی**، **رضوی**، **دنیوی** و **مدنی** بدون هیچ توضیحی آورده شده است. صرفاً جهت آشنایی آنها را بررسی می‌کنیم:

– اگر اسم سه یا چهار حرفی مختوم به الف یا یاء باشد، هنگام انتساب الف پایانی آن قلب به واو می‌شود و حرف قبل از واو مفتوح می‌گردد:

موسى ← موسوی؛ رضا ← رضوی؛ دنیا ← دنیوی.

– اسامی مختوم به یاء مشدد، قواعد خودشان را دارند که کتاب به آنها نپرداخته است:

نبی ← نبوی؛ علی ← علوی.

– هنگام انتساب به اسمی بر وزن **فَعِيلَة**، یاء حذف می‌شود و حرف قبل از آن مفتوح می‌گردد (**فَعَلِي**): **مَدِينَة** ← **مَدَنِي**.

اعراب اسم

• اعراب اسم بر سه نوع است:

- ظاهری: اسم‌هایی که علامت اعراب در آن‌ها ظاهر می‌شود.

• اصلی: علامت اعراب به شکل اصلی‌اش (رفع: ۾، نصب: ۾، جر: ۾) ظاهر می‌شود.

• فرعی: علامت اعراب به شکلی غیر از شکل اصلی ظاهر می‌شود.

- تقدیری: اسم‌هایی که علامت اعراب در آن‌ها ظاهر نمی‌شود.

- محلی: اسم‌هایی که اعراب نمی‌پذیرند.

اسم بر اساس حرف آخر

- اسم‌ها را از یک منظر به چهار گروه تقسیم می‌کنند:
 - اسم مقصور: اسمی که پایان آن الف مقصوره (طویلہ یا مقصوره) داشته باشد: عصا، موسیٰ.
 - اسم منقوص: اسمی که مختوم به یاء بعد از مکسور باشد: قاضی.
 - اسم ممدود: اسمی که پایان آن الف ممدوده باشد: سماء.
 - اسم صحیح الآخر: اسمی که در هیچ‌یک از سه گروه قبل قرار نگیرد.
- یاء پایان اسم منقوص حتماً باید بعد از کسره بیاید و یاء مشدد، در اصل دو یاء متوالی است که اولی ساکن باشد؛ پس عَلِيٌّ و عَرَبِيٌّ و رَأْيٌ صحیح الآخرند.

اعراب تقدیری

• اعراب اسم در سه حالت تقدیری است:

– اسم مقصور (مرفوع و منصوب و مجرور)

– اسم منقوص (فقط مرفوع و مجرور)

– اسم قبل از ضمیر یاء متکلم (مرفوع و منصوب و مجرور)

• اگر اسم منقوص نکره اعراب تقدیری بگیرد، یاء آخرش به تنوین جر

بدل از یاء تبدیل می‌شود: کلکم راعٍ و کلکم مسؤؤلٌ.

اعراب محلی

- اعراب سه گروه اسم یا جایگزین اسم محلی است:

– اسم مبنی

• ضمیر

• اسم اشاره

• اسم موصول

• اسم استفهام

• اسم شرط

• عدد مرکب

– جمله

• اسمیه: علی کتابه فی المحفظة.

• فعلیه: علی یذهب الی المدرسة.

– شبه جمله: الكتابُ فی المدرسة.

اعراب ظاهری فرعی در اسمها

• اعراب اسم در پنج حالت فرعی است:

- مثنی

- جمع سالم مذکر

- جمع سالم مؤنث (فقط منصوب)

- اسامی خمسة

- اسامی غیرمنصرف (فقط مجرور)

اعراب اسم مثني و جمع سالم مذکر

- رفع اسم مثني به ءا است: الطالبان يذهبون الى المكتبة.
- جر و نصب اسم مثني به ءيـ است: رأيتُ الطالبين في المسجد.
في المدرستين كتب جديدة.
- رفع اسم جمع سالم مذکر به ءو است: الطالبون يذهبون الى المكتبة.
- جر و نصب اسم مثني به ءيـ است: رأيتُ الطالبين في المسجد.

اعراب اسم مثنى و جمع سالم مذکر

- نون پایانی اسم مثنى مکسور است و نون پایانی جمع مذکر سالم مفتوح.
- اگر اسم مثنى یا جمع سالم مذکر مضاف واقع شود، نون پایانی آن‌ها حذف می‌شود: کتابا محمدٍ فی المحفظة.
- اگر یاء متکلم به اسم مثنى یا جمع مذکر سالم اضافه شود، اسم مضاف اعراب ظاهری می‌گیرد: معلمویّ یدرسون فی المدرسة.

اعراب اسم مؤنث سالم

- نصب جمع مؤنث سالم به كسر است:

اللَّهُ الْكَزِيْبُ رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَلٍ تَرَوْنَهَا.

- در حالات رفع و جر، اعراب اسم جمع مؤنث سالم اصلی است.

اسماء خمسة

- پنج اسم «أب (پدر)، أخ (برادر)، ذو (صاحب)، فو (دهان) و حم (خویشاوند شوهر)» را اسماء خمسة می نامند.
 - اسماء خمسة اگر هر سه شرط زیر را داشته باشند، رفعشان به و، نصبشان به ا و جرشان به ی است:
 - مفرد باشند.
 - مضاف باشند.
 - مضافٌ اليه آنها، ضمير ياء متکلم نباشد.
- رأى أبو طالب ذا الأموال و هو جالس عند أخي محمد.
- يا أبا عبدالله! إشفع لنا عند الله!

ممنوع من الصرف

- گروهی از اسامی را در عربی غیر منصرف (ممنوع من الصرف) می نامند.
- اسمی که غیر منصرف نباشد، منصرف نامیده می شود.
- اعراب اسامی غیر منصرف در حالات رفع و نصب اصلی است.
- اگر اسم غیر منصرف ال نگیرد و مضاف هم واقع نشود،
 - جر آن، به فتح است.
 - تنوین نمی گیرد.

ممنوع من الصرف

• اسامی غیر منصرف بسیارند؛ بعضی از آنها عبارتند از:

– اسم علم مؤنث: السلام علی فاطمة الزهراء.

– علم أعجمی (غیر عربی): و أرسلنا إلى فرعون رسولا.

– اسم شهرها و کشورها: و إلى مدین أخاهم شعیباً.

– صفت بر وزن **أفعل**: أليس الله بأعلم بالشاكرين!؟

– جمع مکسر بر وزن **مفاعیل و مفاعیل** یا **شبيه أنها**: و زینّا السماء الدنيا بمصابیح. فوائد.

– اسم یا صفت بر وزن **فعلان**: ذهب إلى شخص جوعان.

ممنوع من الصرف

- اسم شهرها و کشورها، معمولاً اسم علم مؤنث است.
- اسم علم مؤنث لفظی (مثل معاویة) و معنوی (مثل مریم) هم غیر منصرف اند.
- علامات تانیث سه تا است:
 - تاء تانیث: فاطمة.
 - الف ممدوده که جزء حروف اصلی نباشد: سماء، حمراء.
 - الف مقصوره: کبریٰ.
- اگر علم أعجمی سه حرفی باشد و حرف وسطش ساکن باشد، منصرف است: نُوح، لُوط.
- أربع هر چند بر وزن أفعال است، اما منصرف است.

ممنوع من الصرف

- صفت مشبّهة بر وزن فَعْلَان، بر وزن فَعْلَى مؤنث می شود: عطشان/عطشی.
- کلمات بر وزن أَفْعَل معمولاً در یکی از دو گروه زیر قرار می گیرند:
 - اسم تفضیل که مؤنث آن بر وزن فَعْلَى است: أكبر/کبری و معنی تفضیلی دارد.
 - صفت مشبّهة که مؤنث آن بر وزن فَعْلَاء است: أحمر/احمراء و معمولاً بر رنگها یا عیبها دلالت می کند.

اعراب فعل

- فعل از لحاظ زمان سه نوع است:
 - ماضی
 - مضارع
 - أمر
- گروهی از افعال مبنی اند:
 - ماضی
 - أمر
 - مضارع صیغه‌های جمع مؤنث
 - مضارع که نون تأکید دارد. (در پیش‌دانشگاهی رشته علوم انسانی بررسی می‌شود).
- افعالی که مبنی نیستند، معرب اند و اعراب می‌پذیرند.
- افعال مستقبل، نهی و امر باللام نوعی فعل مضارع اند.

علامات اعراب فعل مضارع

- فعل مضارع مرفوع:
 - اصلی: ضمه: يذهبُ على الى المكتبة.
 - فرعی: ثبوت نون اعراب: الناس يذهبون الى المدرسة.
- فعل مضارع منصوب:
 - اصلی: فتحه: أخاف أن أذهب الى المدرسة وحدي.
 - فرعی: حذف نون اعراب: أخاف الناس أن يذهبوا الى الصحراء.
- فعل مضارع مجزوم:
 - اصلی: جزم: من يجاهدُ ينجح.
 - فرعی: حذف نون اعراب: لا تذهبي الى ذلك المكان!
- علامات فرعی اعراب افعال معتل در عربی ۳ بررسی می شود.
- پنج صیغه للغائب، للغائبة، للمخاطب، للمتکلم وحده و للمتکلم مع الغير اعراب اصلی و بقیه صیغه های معرب، اعراب فرعی می گیرند.
- بعد از حذف نون اعراب در صیغه های جمع مذکر، یک الف زینت به آخر فعل اضافه می شود.
- حذف نون اعراب، علامت مشترک جزم و نصب است.

رفع فعل مضارع

- فعل مضارع به طور معمول مرفوع است.

- حروف بر دو نوع اند:

- عامل: اعراب کلمه دیگری را تغییر می دهند: حرف جر، لا نهی.

- غیر عامل: اعراب کلمه دیگری را تغییر نمی دهند: س و سوف استقبال، ال تعریف.

- فعل مستقبل به طور معمول مرفوع است: علي سيذهبُ إلى المدرسة.

- فعل مضارع منفی (نفي) مرفوع است: لا يذهبُ علي إلى المكتبة.

نصب فعل مضارع

- گاهی عواملی (مثل برخی حروف عامل) باعث می‌شوند فعل مضارع منصوب شود.
- بعضی از مهم‌ترین عوامل نصب فعل مضارع:
 - لن (هرگز): برای ساخت مستقبل منفی استفاده می‌شود: لن یذهب: (هرگز) نخواهد رفت.
 - أن (که)
 - کی و لکی (تا این که)
 - حتی (تا، تا این که)
 - لـ (برای، برای این که)

جزم فعل مضارع

- گاهی عواملی (مثل برخی حروف عامل) باعث می‌شوند فعل مضارع مجزوم شود.
- بعضی از مهم‌ترین عوامل جزم فعل مضارع:
 - لم: برای تبدیل مضارع به ماضی (معمولاً ماضی ساده) استفاده می‌شود.
 - لما: برای تبدیل مضارع به ماضی (معمولاً ماضی نقلی) استفاده می‌شود.
 - ل امر: برای امر باللام استفاده می‌شود: لیکتب: باید برود.
 - لا نهی: لایکتب: نباید برود. لا تکتبوا: نروید!

جزم فعل مضارع

- ادوات شرط، دو فعل بعد از خود را مجزوم می کنند؛ اولی به عنوان فعل شرط و دومی به عنوان جواب شرط.
- بعضی از مهم ترین ادوات شرط عبارت اند از:
 - إن (اگر): إن تدرس، تنجح.
 - من (هر کس): من يطلب، يجذ.
 - ما (هر چیز): ما تتعلم في الصغر، ينفك في الكبر.
 - أينما (هر کجا): فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ
- گاهی فعل شرط یا جواب شرط ماضی است. در این حالت اعراب آن ها محلی می شود:
 - من عرف نفسه، فقد عرف ربه.

جزم فعل مضارع

• فعلی که در جواب طلب (امر، نهی و...) می آید، مجزوم می شود:

تدرس، **تنجح!**

• گاهی پیش از جواب شرط، فاء جزاء (جواب) می آید؛ مثلاً اگر جواب

شرط جمله اسمیه باشد:

إن تجهد، **فإنك ناجح.**

اعراب فعل مضارع

- در بررسی اعراب فعل مضارع، توجه کنید:
 - لا ناهیه عامل جزم است ولی لا نافیہ غیرعامل.
 - لام امر عامل جزم است ولی لام تعلیل عامل نصب.
- اگر اعراب فعل هم از ظاهر نوشته قابل تشخیص نباشد، باید به قرینه‌های دیگر -مثل معنی و این که لام تعلیل برخلاف لام امر معمولاً در اول جمله نمی‌آید- توجه کرد.

وصف و اضافه

- **اضافه**، نسبت دادن یک اسم (مضاف) است به یک اسم دیگر (مضاف الیه).
- **مضاف** در زبان عربی نقش (در اعراب) نیست؛ اما **مضاف الیه** یک نقش است و جزء **مجرورات** به شمار می آید.
- **مضاف بودن**، **داشتن تنوین** و **داشتن ال-تعریف**، سه ویژگی اسم اند که با یکدیگر جمع نمی شوند: **طلاب المدرسة**.
- قبلاً بیان شد که اگر اسم مثنی یا جمع سالم مذکر مضاف واقع شود، نون پایانی آن‌ها حذف می شود: **کتابا محمدٍ فی المحفظة**.

وصف و اضافه

- **نعت** (صفة) کلمه‌ای است که صفاتی از **منعوت** (موصوف) خود را بیان می‌کند.
- **منعوت** در زبان عربی نقش (در اعراب) نیست؛ اما **نعت** یک نقش است و جزء توابع به شمار می‌آید.
- صفت در چهار چیز از موصوف پیروی می‌کند:
 - عدد (مفرد/ مثنی/ جمع)
 - جنس (مذکر/ مؤنث)
 - تعریف و تنکیر (معرفه/ نکره)
 - اعراب (مرفوع/ منصوب/ مجرور): صفت جزء توابع شمرده می‌شود.

وصف و اضافه

- گاهی پس از اسم نکره، جمله‌ای می‌آید که آن اسم را توصیف می‌کند.
چنین جملاتی را **جمله وصفیه** می‌نامیم:
رأيتُ قاضياً **يحكم بالعدل**.
- اگر اسمی پیش از ضمیر بیاید، مضاف است: **کتابنا**.
- اگر اسمی بخواهد همزمان مضافٌ الیه و صفت بگیرد، مضافٌ الیه مقدم می‌شود: **ثورتنا الإسلامية**: انقلاب اسلامی ما.

چند نکته

- جمع غیرعاقل (≈ غیرانسان) در حکم مفرد مؤنث است: رسائل علمية.

- شبه جمله انواعی دارد، مثل:

- جار و مجرور

- ظرف زمان و مکان (مفعول فيه)

- گاهی می توان خبر جمله را پیش از مبتدأ آورد، ولی اگر مبتدأ نکره و خبر شبه جمله باشد، تقدیم خبر (خبر مقدم) بر مبتدأ (مبتدأ مؤخر) واجب می شود:

فی المحفظة کتاب.

اليومَ يومٌ وقع فيه حرب عظيم.

- گاهی برای رفع التقاء ساکنین از کسره استفاده می شود: کتبت الرسالة. ← کتبت الرسالة.

پرسش‌های مرتبط قواعد عربی عمومی

آزمون سراسری رشته علوم انسانی

۱۳۹۳

٤٣- عيّن « الأيدي » بالعلامة الظاهرية للإعراب:

- (١) فضل أيدي المحسنين في المجتمع كثير!
- (٣) أيدي الفقراء تحتاج إلى مساعدة الأغنياء!

- (٢) آثار أيديك واضحة على هذا الفن!
- (٤) سنقصر أيدي الأجانب عن ديارنا!

پاسخ ۴۳

۴۳- عین « الأیدی » بالعلامة الظاهرية للإعراب:

(۲) آثار أیدیك واضحة على هذا الفن!

(۱) فضل أیدی المحسنين في المجتمع كثير!

(۴) سنقصر أیدی الأجانب عن ديارنا!

(۳) أیدی الفقراء تحتاج إلى مساعدة الأغنياء!

• گزینه ۴: در این گزینه أیدی مفعول به است و منصوب و اعرابش اصلی.

• شرح سائر گزینه‌ها:

- گزینه‌های ۱ و ۲: أیدی مضافٌ الیه است و مجرور و اعرابش تقدیری.

- گزینه ۳: أیدی مبتدأ است و مرفوع و اعرابش تقدیری.

-٤٤- عَيْنُ اللَّامِ نَاصِبَةٌ:

- (٢) نرجو الله لجميع شعبنا التّوفيق والسّعادة في حياتهم!
(٤) نتلو آيات الحقّ ليهدينا الله الصّراط المستقيم!

- (١) ليكرّم كلُّ منّا العلماء الكبار في المجتمع!
(٣) هو يعمل كثيراً لتوفير ما يحتاج إليه في البيت!

پاسخ ۴۴

۴۴- عین اللام ناصبه:

(۲) نرجو الله لجميع شعبنا التوفيق والسعادة في حياتهم!

(۴) نتلو آيات الحق ليهدينا الله الصراط المستقيم!

(۱) ليكرم كل من العلماء الكبار في المجتمع!

(۳) هو يعمل كثيراً لتوفير ما يحتاج إليه في البيت!

• گزینه ۴: لام تعليلية ناصبه.

• شرح سائر گزینه‌ها:

- گزینه‌های ۲ و ۳: لام جاره

- گزینه ۱: لام امریه جازمه.

-٤٦ عيّن الخطأ:

- (٢) قداشترك هذااللاعب في إحدى عشرة مسابقة رياضية!
(٤) غُرسَت شجرتان اثنتان في حديقة مجاورة لمنزلنا!

- (١) سيحضر الأستاذ في الصف بعد أربعة دقائق!
(٣) لغرف بيتنا أربع نوافذ و ثلاثة مصابيح!

پاسخ ۴۶

۴۶- عین الخطأ:

(۲) قداشترك هذا اللّاعب في إحدى عشرة مسابقة رياضية!
(۴) غرست شجرتان اثنتان في حديقة مجاورة لمنزلنا!

(۱) سيحضر الأستاذ في الصّف بعد أربعة دقائق!
(۳) لغرف بيتنا أربع نوافذ و ثلاثة مصابيح!

• گزینہ ۱: أربع دقائق. (دقيقة مؤنث است.)

٤٧ - عين الخطأ (في المبني للمجهول):

- (١) قضيت اثني عشر يوماً من العيد بالفرح ← قضيت اثنا عشر يوماً من العيد بالفرح!
- (٢) قدّمت الثورة الإسلامية جواهر ثمينة في الحرب ← قدّمت جواهر ثمينة في الحرب!
- (٣) أكرم أبو صديقي هذه البنت الصّغيرة في الضيافة ← أكرم صديقي هذه البنت الصّغيرة في الضيافة!
- (٤) لنحترم ذا العلم في جميع المجالات في المجتمع ← ليحترم ذو العلم في جميع المجالات في المجتمع!

پاسخ ۴۷

۴۷- عین الخطأ (في المبني للمجهول):

- (۱) قضيت اثني عشر يوماً من العيد بالفرح ← قُضِيَ اثناعشر يوماً من العيد بالفرح!
- (۲) قُدِّمَت الثورة الإسلامية جواهر ثمينة في الحرب ← قُدِّمَت جواهر ثمينة في الحرب!
- (۳) أكرم أبو صديقي هذه البنت الصغيرة في الضيافة ← أكرم صديقي هذه البنت الصغيرة في الضيافة!
- (۴) لنحترم ذا العلم في جميع المجالات في المجتمع ← ليُحترم ذو العلم في جميع المجالات في المجتمع!

• **گزینه ۳:** صديق مضاف اليه فاعل (أبو) است و بايد حذف شود.

• **جمله مجهول صحيح:** أُكْرِمَتْ هذه البنت الصغيرة في الضيافة!

٤٨ - عَيْنَ خَبَرِ النِّوَاسِخِ جَمَلَةٌ فَعْلِيَّةٌ:

- (٢) لَا تَصَلِّينَ إِلَى الْغَايَةِ الْمَطْلُوبَةِ مَا دَمْتَ فِي قَلْقٍ!
 (٤) قَلْتَ فِي دَعَائِي: عَسَى الرَّبُّ أَنْ يَعْفُوَ عَن سَيِّئَاتِنَا!

- (١) عَلَيْكَ أَنْ لَا تَعْتَمِدَ عَلَى مَا لَا دَوَامَ لَهُ!
 (٣) لَا تَكُونِ الْأُمُورَ مِثْلَ مَا تَرِيدُ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ!

پاسخ ۴۸

۴۸ - عین خبر النواسخ جملة فعلية:

- (۲) لا تَصَلينِ إلى الغاية المطلوبة ما دمتِ في قلق!
(۴) قلتِ في دعائي: عسى الربّ أن يعفو عن سيئاتنا!

- (۱) عليك أن لا تعتمد على ما لا دوام له!
(۳) لا تكون الأمور مثل ما تريد في كلّ الأحوال!

• گزینہ ۴: أن يعفو (عن سيئاتنا)

• شرح سائر گزینہها:

- گزینہ ۱: له (شبه جمله)

- گزینہ ۲: في غلقٍ (شبه جمله)

- گزینہ ۳: مثل (مفرد)

٤٩- عَيْن الوصف جملة:

- (١) مررت في طريقي برجل كبير السنّ وهو قد جلس على الأرض يطلب المساعدة!
- (٢) إنّ المسلمين حملوا راية العلم في زمن كان فيه العلم متروكاً في بلاد أوروبا!
- (٣) اقرأ الآيات القرآنيّة ثمّ اعمل بها، لأنّ العمل بالقرآن أساس النّجاح!
- (٤) الرّياضة لها فائدة عظيمة و هي تُعلّمنا الأخلاق العالية في الحياة!

پاسخ ۴۹

۴۹- عین الوصف جملة:

- (۱) مررت في طريقي برجل كبير السنّ وهو قد جلس على الأرض يطلب المساعدة!
- (۲) إنّ المسلمين حملوا راية العلم في زمن كان فيه العلم متروكاً في بلاد أوروبا!
- (۳) اقرأ الآيات القرآنيّة ثمّ اعمل بها، لأنّ العمل بالقرآن أساس النّجاح!
- (۴) الرّياضة لها فائدة عظيمة و هي تُعلّمنا الأخلاق العالية في الحياة!

• **گزینه ۲:** «كان فيه العلم متروكاً في بلاد أوروبا.» نعت و منعوته «زمن».

• شرح سائر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: «و هو قد جلس على الأرض.» و «يطلب المساعدة.» حال و صاحبهما «رجل».

- گزینه ۳: القرآنيّة نعت مفرد.

- گزینه ۴: عظيمة نعت مفرد.

٥٠- عَيْنَ حَرْفِ الْعَطْفِ:

- (١) قُلْتُ لَكَ يَا بِنْتِي: إِذْهَبِي إِلَى غُرْفَتِكَ لَا إِلَى السَّاحَةِ! (٢) قَالَتِ الْمَعْلَمَةُ لِلتَّلْمِيذَةِ الْمَتَكَاسِلَةِ: لَا عِذْرَ مَقْبُولٍ عِنْدِي!
(٣) يُعْجِبُنِي الشَّابُّ وَهُوَ يَحْضُرُ مَجَالِسَ الْوَعْظِ! (٤) لَمَّا لَمْ يُصَدِّقْ أَبِي كَلِمَتِي قُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ! إِنِّي أَصْدَقُكَ!

پاسخ ۵۰

۵۰- عین حرف العطف:

- (۱) قلتُ لك يا بنتي: اذهبي إلى غرفتك لا إلى السّاحة! (۲) قالت المعلمة للتلميذة المتكاسلة: لا عذر مقبول عندي!
(۳) يُعجبني الشّابّ و هو يحضر مجالس الوعظ! (۴) لمّا لم يُصدّق أبي كلمتي قلت له: والله! إنّي أصدقك!

• گزینہ ۱: لا عاطفه (+ لام جارہ، یاء نداء، إلى جارہ)

• شرح سائر گزینہها:

- گزینہ ۲: لام جارہ، لا نافية للجنس

- گزینہ ۳: و حالیه

- گزینہ ۴: لما زمانیه، لم جازمه، لام جارہ، واو قسم، إنّ مشبه بالفعل

آرزوهایم در کورشدای نفس خبیث

در دلم بود که آدم امانشدم